

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۳۱ دسمبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

## سورة المعراج

سورة معراج در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل و چهار آیت و دو رکوع می باشد.

۳



يُبَصِّرُونَهُمْ يَوْمَ الْمَجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِنِذِ بَيْتِيهِ (۱۱)

آنان را به ایشان نشان می دهند، گناهکار آرزو می کند که فرزندان خود را فدیة (برای نجات) از عذاب آن روز قرار دهد.

(۱۱)

«يُبَصِّرُونَهُمْ»: به معنای نشان دادن و روشن گری است.

مجرم در روز قیامت دارای سه آرزو می باشد:

اولین آرزویش اینست که می خواهد با خاک یکسان شود. «لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ» (آیت ۴۲ سورة نساء).

دومین آرزویش اینست که از اعمالش دور شود. «أَمَدًا بَعِيدًا» (آیت ۳۰، آل عمران)

سومین آرزویش اینست که با تأدیة فدیة دادن از این تکالیف نجات یابد، به اصطلاح عوام الناس کور خوانده. «يَوْمَ يَوْمُ الْمَجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي...» (در آن روز مجرم دوست دارد فرزندان خود را برای دفع عذاب فدیة دهد و فدای خود کند).

مجرم برای فدیة دادن و نجات یافتن از عذاب دشوار و باور نکردنی، شخص یا گروهی را انتخاب نمی کند، بلکه می گوید: همه را بگیرید و فقط مرا آزاد کنید؛ برایش فرق نمی کند می گوید: فرزند، همسر، برادر، فامیل و همه مردم زمین و همه دار و نداری که دارم آن را بگیرید و فقط مرا از این مصیبت نجات دهید.

با تأسف باید گفت طوری که ملاحظه می فرمائید؛ برای کفار در آن روز دیگر عاطفه فرزندی هم مهم نیست، دیگر او، آن غیرت همسری را به سر ندارد، محبت برادری و حمایت فامیلی و آشنائی مردمی به دردش نمی خورد و همه را

فدای منافع و مصالح شخصی خویش می سازد، مجرمان حاضر می شوند که در آن روز، به منظور نجات خود از عذاب دوزخ، به قیمت نابودی همه بکوشد، ولی دریغا که همه این چیز ها، هیچ سودی به حالش نمی رساند. او فراموش کرده بود که باید خود را نباید در دنیا به خاطر رفاه همسر و فرزندان و جلب رضایت دوستان و خویشاوندانش، دوزخی می ساخت، و متوجه آخرت خویش هم می شد. فراموش کرده بود که در آن روز هیچ يك از آنها به داد و فریاد انسان نمی رسند و توان آن را ندارند که انسانی را از عذاب دردناک جهنم نجات دهند.

### وَصَاحِبِهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

همچنین همسر و برادرش را. (۱۲)

### وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

و قبیلۀ خود را که همیشه از او حمایت می کردند. (۱۳)

«فَصِيلَتِهِ»: عشیره نزدیکش را.

«تُؤْوِيهِ»: تویی از «مأوی» گرفته شده به معنای پناه دادن است.

### وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴)

و نیز همه کسانی را که در روی زمین است (فدا کند) تا (این کار) او را نجات دهد. (۱۴)

### كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْيَى (۱۵)

این چنین نیست، دوزخ آتش سوزان و سراپا شعله است. (۱۵)

«إِنَّهَا لَأَطْيَى»: جهنم یا درک دوم دوزخ شعله ور است.

### نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ (۱۶)

که پوست بدن را به شدت جدا می کند. (۱۶)

«نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ»: دست و پا یا پوست سر مجرم را می کند.

خواننده محترم!

قرآن عظیم الشان در وصف آتش جهنم می فرماید: «إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا» (سوره فرقان، آیت ۱۲) (چون دوزخ) از فاصله دور آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند).

«تَغَيُّظًا»: به معنای چیغ، فریاد آشکار یا هم چیغ و فغان آمده است.

آتش جهنم دارای شرار های بزرگی است: طوری که می فرماید: «أَنْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ النَّهَبِ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ»

(آیات ۳۰ الی ۳۲ سوره رسولات) (روید زیر سایه دودهای آتش دوزخ که از سه جانب (شما را) احاطه کند، نه بر سر شما سایه خواهد افکند و نه از شرار آتش هیچ نجاتتان خواهد داد، آن آتش هر شراری بیفکند شعله مانند قصری است).

خصوصیت آتش دوخ مستمر و غیر منقطع می باشد؛ طوری که می فرماید: «سَأُصْلِيهِ سَقَرَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ لَا تُبْقِي وَ لَا تَدْرُ» (آیات ۲۶ الی ۲۸ سوره مدثر) (اما) به زودی او را وارد دوزخ می کنیم. و تو نمیدانی دوزخ چیست؟ (آتشی

است که) نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد! واقعاً هم شراره آن دوزخ از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و محو گرداند.

نبايد فراموش کرد که آتش دنیا فقط بدن را می سوزاند، ولی آتش آخرت روح و دل را هم می سوزاند.

آتش جهنم، سوزاننده درون جسم انسان است: «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ» (آیات ۷ و ۸ سوره المزمه) (آتش بر افروخته الهی است. آتشی که از دلها سر می زند!)

قرآن عظیم الشان در این باره می فرماید:

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا...» (آیت ۲۹، سوره کهف) (... ما برای ظالمین آتشی را آماده کرده ایم که سرا پرده اش آنها را از هر سو احاطه کرده است...).

صدای این آتش بی نهایت مهیب و ترس ناک است طوری که می فرماید: «...وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا» (آیات ۱۱ و ۱۲، سوره فرقان) (... و ما برای کسانی که قیامت را انکار کند آتش سوزانی مهیا کرده ایم. هنگامی که این آتش آنها را از دور می بیند صدای وحشتناک و خشم آلود او را که با نفس زدن شدید همراه است می شنوند).

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَيْتَهُ...» (آیت ۱۹۲، سوره آل عمران) (پروردگارا، هر که را تو (به خاطر اعمالش) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای...) «...فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ» (آیت ۶۳، سوره توبه) (... برای او آتش دوزخ است که جاودانه در آن می ماند، این يك رسوائی بزرگ است!).

«تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالِحُونَ» (آیت ۱۰۴، سوره مؤمنون) (شعله های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهاشان نواخته می شود و در دوزخ چهره در هم کشیده دارند).

### تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷)

هر که را به حق پشت کرده و از دعوت حق روی گردانده می طلبد (۱۷)

### وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

و آن را که ثروت جمع کرده و به ذخیره سازی و انباشتن پرداخته، می خوانند (۱۸)  
«فَأَوْعَى»: مال خود را از حرص و آز در ظرفی ذخیره کرد.

### إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹)

واقعا که انسان بی تاب و بی صبر (و حریص) آفریده شده است. (۱۹)  
«هَلُوعًا»: ناشکیبا و حریص.

هنگامی که بدی به او رسد بسیار جزع و بیتابی می کند، «اذا مسه الشر جزوعا» و هنگامی که خوبی به او رسد از دیگران دریغ می دارد، «و اذا مسه الخير منوعا».

تعداد کثیری از مفسرین «هلوع» را به معنای حریص و تعدادی هم آن را به معنای «کم طاقت» تفسیر کرده اند، بنابر تفسیر اول در اینجا به سه نکته منفی اخلاقی در وجود اینگونه انسانها اشاره شده: «حرص» و «جزع» و «بخل» و بنابر تفسیر دوم به دو نکته «جزع» و «بخل» زیرا آیت دوم و سوم تفسیری است برای معنای «هلوع».

این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنی در این کلمه جمع باشد، چرا که این دو وصف لازم و ملزوم يك دیگراند، انسانهای حریص غالباً بخیل اند، و در برابر حوادث سوء کم تحمل و عکس آن نیز صادق است.

### إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰)

چون آسیبی به او رسد، بی تاب است. (۲۰)

«جَزُوعًا»: بسیار نومید می شود.

یعنی بی صبری و کم همتی او تا حدی است که وقتی مشقت و مصیبتی به او برسد، صبر پیشه نمی کند، و وقتی راحت و آرامشی به او دست می دهد و به ثروت و مالی نایل آید، در آن بخل می ورزد، در اینجا هدف از بی صبری و جزع، آن است که از حد شرع خارج باشد و هم چنین هدف از بخل آن است که در ادای فرایض و واجبات کوتاهی نماید.

### وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱)

و چون خیری بدو رسد سخت بخیل و نابخشنده است. (۲۱)

### إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲)

مگر نمازگزاران. (۲۲)

نمازگزارانی که نمازهای خود را تداوم می بخشند، «الذین هم علی صلاتهم دائمون».

اولین خصوصیت و فائده نماز در کسب زیبایی آن است زیرا بدینوسیله ارتباط مستمر با درگاه پروردگار متعال تأمین می شود.

بدیهی است منظور از مداومت بر نماز این نیست که همیشه در حال نماز باشند، بلکه منظور این است در اوقات معین نماز را انجام می دهند.

نماز ماشین و محرک اصلی اعمال عبادی در دین مقدس اسلام به شمار می آید. مسلمانی که به نماز اهمیت قایل باشد، با تمام قوت و صلابت گفته می توانیم که او با سایر عبادات هم اهمیت قایل بوده و به ادای آن ارج و احترام خاصی قایل است.

ولی مسلمانی که نماز برایش بی اهمیت باشد، باید در مورد این انسان حکم کرد که همچو انسانها سایر عبادت را نه تنها انجام نمی دهند و یا هم اگر انجام هم می دهند، آن را به نیت صحیح بجاءنیورده و فائده چندان از آن به دست نمی آورد. نماز از جمله عباداتی است که قرآن عظیم الشان بر آن تأکید بیشتر نموده، بنابر مهم بودن این عبادات است که کلمه نماز و مشتقات آن بیشتر از (۹۸) بار در قرآن عظیم الشان تذکر یافته است.

نماز روح شخصی مسلمان را به مبداء هستی بخش مرتبط و متصل می کند و با این ارتباط روح و جان انسان را زنده، با نشاط و آرام نگاه داشته و او را برای انجام سایر وظایف و رسالتهای فردی و اجتماعی آماده می سازد. خواندن و بجاءآوردن نماز برای یک مسلمان علاوه بر آن که انجام یک دستور و یک وجیبه الهی به شمار می رود، خود مانع از انجام بسیاری از اعمال زشت، ناپسند و مانع پیوستن انسان به سایر گناهان می گردد. یکی از فواید با عظمت نماز اینست که انسان را از فحشاء و منکرات نگاه می دارد: «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر».

دومین فائده نماز را می توان در بعد سیاسی آن مورد بررسی قرار داد. نماز مسلمانان سراسر جهان را در هر روز پنج بار به سوی قبله واحدی، متحد می سازد، و به آنان شکوه و عظمت می بخشد.

نماز به انسان نیروی عظیمی برای تحمل غم ها و مصائب بخشیده و همین نماز است که بسیاری از امراض صعب العلاج روانی را مداوا بخشیده و انسان را به آینده امیدوار ساخته، قدرت ایستادگی و مقاومت او را در برابر حوادث بزرگ زندگی بالا می برد.

انسان مسلمان در نماز با تمام اعضای بدن و حواس خود متوجه الله تعالی می شود و از همه اشتغالات و مشکلات دنیا روی برمی گرداند و به هیچ چیزی به غیر از پروردگار با عظمت و آیات قرآن که در نماز بر زبان می آورد، فکر نمی کند. همین رویگردانی کامل از مشکلات زندگی و نیندیشیدن به آنها، در اثنای نماز، باعث ایجاد آرامش روان و آسودگی عقل در انسان نیز می شود.

این حالت آرام سازی و آرامش روانی از بر پا کردن نماز، از نظر روانی چنانچه گفته آمدیم، تأثیر بسزائی در کاهش شدت تشنجات عصبی ناشی از فشار زندگی روزانه و پائین آوردن حالت اضطرابی که برخی از مردم خاصاً درین عصر پُر تلاطم، تشویش و هیجان دچار آن هستند، دارد.

در حدیث پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم آمده است که:

«إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ فَرَّغَ إِلَى الصَّلَاةِ» (رسول الله صلى الله عليه و سلم چون از کاری در فشار قرار می گرفتند، به سوی نماز پناه می بردند). و در زیادتری از موارد زندگی پیامبر اسلام دیده شده است هرگاه امری بر رسول خدا سخت می آمد به نماز می ایستاد و به نماز پناه می برد، و به حضرت بلال هدایت می فرمود: «ارحنا بها يا بلال» ( ای بلال، ما را با نماز راحت کن) (منظور این بود که اقامه نماز را بر پا دارد).

بنابراین می بینیم که راحتی پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلى الله عليه و سلم در ادای نماز بود، و از نماز خواندن حظ و لذت می برد.

### الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَانِمُونَ (۲۳)

آنانی که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند (۲۳)

نماز، محکم ترین رشته الفت بین بندگان و پروردگار با عظمت است و وای بر آنعده انسانهایی که از پیوند با صفای الهی جدا باشد و حیات و زندگی اش از نور این عبادت، بی بهره بماند.

نماز، واقعیتهای است که الله مهربان عشق و محبت از انسان خواسته و نورانی ترین عمل در شبستان حیات بشر است.

نماز، ریسمان اتصالی است که همه هستی و موجودیت انسان را، به ملکوت پیوند داده و مانند این منبع فیض، برنامه بهتر برای ایجاد ارتباط بین بشر و حق مطلق نمی توان یافت.

نماز، برتر از همه عبادات، منعکس کننده تمام واقعیتها، منبع برکات و کلید گشاینده مشکلات و شست و شو دهنده خطرات از قلب و نور و روح عارفان و خالصان است.

نماز، مایه قرب الهی است که بدون آن جلب فیض خاص از پیشگاه با عزت ربوبی برای هیچ کس امکان ندارد.

نماز، حقیقی است که کیمیای حیات بدون آن بی سود است بی خبران از نماز بی خردان اند و محرومان از این مقام اسیر دست شیطان اند، ثروتمندان بی نماز، تهی دست اند و فقیران با نماز ثروتمندان بزم وجود اند.

نماز، پلان و نقشه (رهکار) است که انجام آن وسیله قرب به داور و نسبت به عبادات دیگر هم چون جوهر و در دنیا و آخرت ناصر و یاور و بر تمام خوبی ها مصدر و واجب بر جمله افراد بشر است.

### وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (۲۴)

و آنانی که در اموالشان حقی معین و معلوم است. (۲۴)

در این آیت مبارکه بر مکلفیت های انسان مسلمان در امور عبادت های مالی، مانند زکات مال و سایر مساعدت های مالی که بر ذمه انسان لازم می گردد می باشد از جمله صدقه، نذر و یا سایر کمک های مادی به فقراء و محتاجان.

خواننده محترم!

حکم زکات در آیات متعددی از قرآن عظیم الشان بیان گردیده و مسلمان پس از ایمان به الله، دو عمل بسیار مهم و بزرگ را در پیشروی خود دارد که آن را باید انجام دهد. این دو عمل بسیار بزرگ و مهم «نماز» و «زکات» است.

«زکات» به این معنی است که انسان اضافه بر نیاز، از ثروت و مالی که اختیار دارد، به اشخاص نیازمند و محتاج ببخشد.

انجام چنین عمل مهمی باعث رشد او و صعودش به سوی کمال می شود.

زکات در لغت به معنای نمو و رشد و زیاد شدن است و به معنای مدح و ستایش نیز آمده است.

و زکات در اصطلاح شرع عبارت است از: اندازه مخصوص از مال مخصوص برای اشخاص مخصوص با شرایط مخصوص.

پرداخت زکات مال موجب برکت آن شده و پاکیزگی مال می گردد.

«و ما آتیتیم من زکاة تریدون وجه الله فاولئک هم الممضعفون» (سوره روم/۳۹) (و آنچه را از زکات می دهید و قصد تان رضای الله است موجب فزونی مال شما می شود.)

در حکمت و فلسفه زکات علماء می فرمایند که اساساً زکات برای جبران کمبود های افراد جامعه و پرکردن شکاف های عمیق طبقاتی و ایجاد رفاه و آسایش هر چه بیشتر برای همگان و زدودن فقر و بیکاری تشریح گردیده است و معتبرترین ضامن حفظ آزادی و استقلال و ثبات سیاسی و اقتصادی ملت مسلمان است.

هرگاه مسلمانی احکام الهی را مراعات نموده زکات اموال حلال و پاک خود را بدهد اینجاست که او از محبت افراطی به مال به محبت دیگری انتقال می کند که آن محبت الله است. این مؤمن ثابت می کند که برای رضایت الله جل جلاله از مال خود گذشته آن را در راه الله جل جلاله مصرف نموده است، پس چگونه رو به مال حرام نماید.

زکات، ایمان مؤمن را قویتر می سازد، زیرا در بسیاری از حالات انسانهای ریا کار می توانند که صد ها رکعت نماز ریائی بخوانند ولی به عکس آن مصرف پول در راه الله جل جلاله نشان می دهد که او واقعاً محبت با پروردگار خویش داشته و از لذیذترین چیز در زندگی خویش برای رضایت وی صرف نظر نموده است.

**بنابر این زکات انسان را به امور ذیل می کشاند:**

الف: تقویت ایمان با مصرف نمودن اموال در راه الله جل جلاله

ب: دوری از بخل

ج: محبت با فقراء

د: دوری از کسب اموال حرام.

ادامه دارد